

سرآغاز منظره نگاری در نقاشی معاصر ایران با

محمود خان صبا "ملک الشعرا"

*نرگس ذکرعلی

چکیده:

منظره نگاری یکی از متداول ترین انواع نقاشی در تاریخ هنر جهان به شمار می‌رود. منظره و چشم اندازه‌های گوناگون و زیبا در طبیعت، همواره یکی از موضوعات مورد توجه نقاشان و البته مخاطبان آن‌ها بوده است. در طول حیات نقاشی، پیوسته نقاشانی به منظره و منظره‌نگاری به عنوان سوژه اصلی آثار خود پرداخته‌اند. هرچند که منظره‌نگاری به معنای رایج امروزی از قرن هفدهم میلادی به وجود آمد و به طور کلی از عمر زیادی برخوردار نیست با این حال منظره نگاری به عنوان یک موضوع مستقل در نقاشی ایرانی بسیار متأخرتر است. مقاله حاضر پژوهشی است تاریخی و توصیفی که سعی داشته است با شیوه کتابخانه‌ای و میدانی به زمان پیدایش منظره نگاری در نقاشی معاصر ایران و همچنین معرفی چند تن از آغازگران این شیوه به ویژه "محمودخان صبا ((ملک الشعرا))" بپردازد. بطور کلی نتایج تحقیق حاضر اذعان می‌دارد که سرآغاز منظره نگاری در ایران به دوران قاجار متأخر می‌رسد و از سویی دیگر، "محمود خان صبا" یکی از مهمترین آغازگران این گونه از نقاشی در ایران به شمار می‌رود و تعداد قابل توجهی از آثار به جای مانده از وی را مناظر تشکیل می‌دهند.

واژگان کلیدی: منظره، منظره نگاری، محمودخان صبا، کمال الملک.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقاشی ایرانی تا پیش از دوران معاصر، همواره در خدمت کتاب آرای و روایت داستان‌های ادب فارسی قرار داشت با این همه در بیشتر این نگاره‌ها، از خشن‌ترین جنگ‌ها و موضوعات حماسی تا شیرین‌ترین صحنه‌های تغزلی، نقاش تمامی داستان‌هایش را در میان زیباترین مناظر زیبا و شاعرانه‌ی ایرانی ترسیم کرده است. هنرمندان ایرانی از نقاش گرفته تا شاعر اهمیت زیادی برای عناصر طبیعت قائل بوده و هستند، اثبات این ادعا با تطبیق نمادهای زیبایی شناسی در فرهنگ و هنر ایرانی با عناصر طبیعت به راحتی میسر می‌شود. روند شکل‌گیری منظره نگاری در نقاشی معاصر ایران به عنوان شیوه‌ای مستقل و همچنین آشنایی با آغازگران این شیوه از اهداف این پژوهش به شمار می‌روند.

از اینرو پرسش‌های پژوهش حاضر به شرح زیر می باشد:

۱. منظره نگاری در نقاشی ایرانی از چه زمانی آغاز شد؟

۲. آغازگران منظره نگاری در نقاشی معاصر ایران چه کسانی بودند؟

۳. ویژگی آثار محمود خان صبا چیست؟

رویکرد این مقاله تاریخی و توصیفی است و با جستجوی نمونه‌های اولیه موجود از منظره نگاری در میان آثار هنرمندان معاصر به روشن ساختن زمان آغاز نقاشی منظره در ایران و همچنین معرفی "محمود خان صبا (ملک الشعرا)" از آغازگران منظره نگاری معاصر در ایران می‌پردازد.

۱. منظره نگاری

منظره نگاری گونه‌ای از نقاشی است که به توصیف تصویری یک مکان می‌پردازد. نقاش وسایل و ابزار آلات خود را به طبیعت برده و به شیوه واقع نگاری، مناظر اطراف را ترسیم می‌کند.

منظره نگاری [نقاشی منظره] . شیوه‌های مختلف بازنمایی چشم انداز و صحنه طبیعی، که گاه انسان و حیوان نیز در آن حضور دارند. منظره آرمانی از موضوعات مرسوم در دیوار نگاره‌های منازل رومیان باستان بود. در خاور دور نیز سنت منظره نگاری پیشینه‌ای بس کهن داشت که مضمون‌هایی چون فصول و محیط طبیعی را در معانی روحانی ارائه می‌کرد. مصوران شمال اروپا، کتاب ایام را با مناظر خیالی می‌آراستند. در دوران رنسانس، چشم اندازها فقط پس زمینه‌ای برای پیکرها و تک چهره‌ها بودند. لئوناردو داوینچی به مطالعه سیمای طبیعت و تجسم عمق در پرده‌های خود اهمیت می‌داد. ولی در نقاشی‌های دور و بر وگل، منظره طبیعت گرایانه امکان بروز یافت. با این حال، پیش از پیدایی مکتب‌های هلندی و فلاندری در سده هفدهم، منظره نگاری چون یک گونه مستقل نقاشی مورد توجه اروپاییان قرار نگرفته بود. در واقع، منظره‌نگاری به معنای امروزی با هنرمندانی چون روبنس، رامبرانت و یاکب رییزادال شروع شد. در سده هجدهم چندان پیشرفتی نکرد، اما مهمترین تحولات نقاشی سده نوزدهم مدیون نقاشان باربیزن، امپرسیونیست‌ها، و هنرمندان پست امپرسیونیسم بود، که وسیعاً به موضوع منظره طبیعی پرداختند. به طور کلی، تاریخ سه قرن منظره نگاری اروپایی - آرمانگرایی کلاسیکی پوسن و کلود لورن، رمانتیسم شاعرانه ترنر و کنستابل و کرو تا تحلیل ساختاری سزان و تجربه‌های شهودی وان گوگ نشان دهنده تنوع برخورد هنرمند با طبیعت است. منظره نگاری سده بیستم نیز رویکردهای گوناگونی را شامل می‌شود: از جمله مناظره‌های اکسپرسیونیست کوکوشکا، منظره‌های سوررئالیست ماکس ارنست. (پاکباز، ۱۳۸۵: ۵۴۴)

۲- آغاز منظره نگاری در ایران

در نگاره‌های باقی مانده از قرون اولیه هجری مناظر زیبایی توسط نگارگر خلاق آفریده شده‌اند که برگرفته از طبیعت اطراف او هستند. با این حال این مناظر که تنها به عنوان پس زمینه‌ای برای روایت داستان به کار رفته‌اند، مانند سایر عناصر نگارگری ایرانی از سرچشمه خیال و ذهن نقاش جوشیده‌اند و با تعاریف امروزی از منظره نگاری تفاوت بسیار دارند. در برخی موارد در لابه لای نگاره‌های موجود، تصاویری می‌یابیم که صرفاً نشان دهنده منظره‌ای از یک مکان خاص هستند، با این وجود این قسم از نگاره‌ها را هم نمی‌توان منظره نگاری مستقل به حساب آورد چرا که این آثار نیز خود برگی از کتب مصور هستند و مانند سایر نگاره‌ها بخشی از داستان را روایت می‌کنند. (تصویر ۱).

اولین تحول منظره نگاری در ایران، زمانی روی می‌دهد که با مراجعه به نگاره‌های به جای مانده از قرون ۱۱ و ۱۲ ه.ق با طیفی از مناظر جدید روبرو می‌شویم، مناظری که به نوعی کپی از روی نقاشی‌های اروپایی به شمار می‌روند. این نقاشی‌ها بر روی وسایلی که تجار و اشراف از اروپا با خود آورده بودند، قرار داشت و نگارگر ایرانی را با دنیایی جدید روبرو می‌ساخت که برای او بسیار تازگی داشت. نقاش ایرانی که تحت تأثیر این شیوه جدید از نقاشی قرار گرفته بود که سعی بر آن داشت تا اثری به این شیوه بیافریند. او با کپی از روی این مناظر و تلفیق آن‌ها با عناصری از نقاشی سنتی منظره‌ای جدید پدید آورد (تصویر ۲). شاید بتوان این سنت را پیش درآمدی بر ایجاد علاقه به منظره‌نگاری در نقاشان ایرانی دانست.

آغاز منظره نگاری در ایران (به صورت طیفی مستقل) را می‌توان اواخر ۱۲ ه.ق تا اواسط ۱۳ ه.ق دانست. این دوران به دوران قاجار متأخر معروف است و بخشی از نقاشی معاصر ایران را در بر می‌گیرد.

در این زمان نقاشانی که به اروپا سفر می‌کردند، با دیدن نقاشی‌های غربی در موزه‌ها تحت تأثیر قرار گرفته و به کپی از روی آنان می‌پرداختند. این نقاشان به طور ناگهانی با دنیایی جدید از نقاشی روبرو می‌شدند که با آنچه تا کنون به عنوان نقاشی می‌شناختند کاملاً متفاوت بود. بنابراین پس از این شیوه‌ای جدید در نقاشی ایران رایج می‌شود که بی‌شبهت به آثار اروپایی قرون ۱۶ و ۱۷ م نیست. این نقاشی‌ها به چند شاخه تقسیم می‌شوند که منظره نگاری یکی از این شاخه‌هاست (تصویر ۳)

۳- آغازگران منظره نگاری

یحیی خان ((پسر صنیع الملک)) نیمه دوم ۱۳ ه.ق، محمودخان صبا((ملک الشعرا)) ۱۳۱۱-۱۲۲۸ ه.ق، محمد غفاری((کمال الملک)) ۱۳۱۹-۱۲۲۷ ه.ش، محمودخان صبا((ملک الشعرا)) ۱۳۱۱-۱۲۲۸ ه.ق، آغازگران منظره نگاری در نقاشی ایران به شمار می‌روند. درمیان آغازگران نقاشی منظره، محمود خان صبا بیش از سایرین حائز اهمیت است چرا که بیشترین موضوعی که او در آثارش بدان پرداخته، منظره است، تا آنجا که از میان ۲۲ اثر باقی مانده از وی ۱۶ اثر، منظره‌هایی هستند که او از مناظر و خیابان‌های شهر تهران کشیده است، بنابراین پس از شرح کوتاهی از زندگی آغازگران منظره نگاری به شرح مفصل تری از زندگی و آثاری وی می‌پردازیم.

۳-۱. یحیی خان((پسر صنیع الملک)) نیمه دوم ۱۳ ه.ق

از میرزا ابوالحسن خان صنیع الملک غفاری سه پسر باقی مانده که همه نقاش بوده و به نام‌های اسداله خان- سیف‌اله-یحیی خان معروف بوده‌اند. پسر کوچکتر که نامش یحیی خان بود و صورتاً به پدر شباهت داشت، از سوی ناصرالدین شاه به ابوالحسن ثالث ملقب گردید. یحیی خان که در خانواده هنری تولد یافته و هنر نقاشی را از پدر و منسوبانش به ارث برده بود، به مرور اسم و رسمی پیدا کرده و به گروه هنرمندان پیوست، ابوالحسن ثالث در آبرنگ و رنگ روغن شیرین قلم بود. او علاقه

ی زیادی به کپی کردن آثار مشاهیر داشت، از جمله کارهای مشهورش کپی تابلوی آتش سوزی رافائل می باشد که اصل آن در موزه واتیکان قرار دارد. از احوال و زندگی آخر عمر یحیی خان، اطلاع بیشتری نداریم، ولی آنچه مسلم است تا سالیان ۱۳۲۴.ق در قید حیات بوده است. (کریم زاده تبریزی، ۱۳۷۶: ۱۰۲۱) بهترین اثر باقی مانده از این نقاش منظره ای رنگ و روغنی است؛ از میدان ارک تهران در سال ۱۳۰۳.ق (تصویر ۴) که علی رغم اشتباهات زیاد در پرسپکتیو و دورنمایی قابل توجه است.

۲-۳. محمد غفاری ((کمال الملک)) ۱۲۲۷-۱۳۱۹.ش

غفاری، محمد (نقاش ایرانی، حدود ۱۳۱۹/۱۸۴۸ ش. مشهورترین و پرنفوذترین شخصیت در تاریخ هنر معاصر ایران به شمار می آید. با کار او جریان دوپست ساله تلفیق سنتهای ایرانی و اروپایی به پایان می رسد و سنت طبیعت گرایی اروپایی در قالب نوعی هنر آکادمیک تثبیت می شود. او در تهران متولد شد، ولی سالهای کودکی را در کاشان گذراند. در نوجوانی به تهران رفت و در مدرسه دارالفنون، زیر نظر علی اکبر خان مزین الدوله، آغاز به هنر آموزی کرد. ناصرالدین شاه، به هنگام بازدید از مدرسه، کار او را پسندید و وی را به دربار فراخواند، دیری نگذشت که شاه به او لقب "نقاشباشی و پیشخدمت حضور همایونی" داد (۱۲۲۶/۱۸۸۲ ش). فعالیت مستمر او در مقام نقاش دربار و معلم شاه بسیار مقبول افتاد و از این رو لقب "کمال الملک" گرفت. (پاکباز، ۱۳۸۵: ۳۶۱)

بنابر قول محمد علی کریم زاده تبریزی^۲، ۱۰۳ اثر از این نقاش بر جای مانده است که از میان مناظر شاخص او به شرح زیر می باشد:

منظره سرخه حصار و عمارت قصر ناصریه-دورنمای توچال - دهکده مغانک (تصویر ۳). دور نمای شهرستانک (تصویر ۵). دور نمای کوه البرز- دورنمای مزرعه در موقع باران - باغچه کاخ گلستان - منظره خیابان دوشان تپه.

۳-۳. محمودخان صبا ((ملک الشعرا)) ۱۲۲۸-۱۳۱۱.ق

محمودخان فرزند محمد حسین خان خلف الصدق ملک الشعرا صبا کاشانی است که به سال ۱۲۲۸ در تهران چشم به جهان گشود و چون به سن رشد رسید، به تحصیل علوم متعارفه زمان و کسب دانش و هنر پرداخت و در رشته های ادبیات و ریاضیات و هیات و حکمت و عرفان و تاریخ شهرت بخصوصی پیدا نمود. در ورای این یادگیری ها، به هنر مورد علاقه باطنی اش که عاشقانه و دیوانه وار آن را می پرستید، به نقاشی و تصویرسازی روی آورد و در اندک زمانی شهره شهر و دیار خود گردید. (کریم زاده تبریزی، ۱۳۷۶: ۱۱۲۳)

محمودخان نومایه ترین هنرمند عهد ناصری که به مدد ذهن علمی و حس کنجکاو، نه فقط قواعد طبیعت پردازی را دقیق تر از بسیاری نقاشان معاصرش بکار برد، بلکه با انگیزه نوجویی و تلفیق سنتهای ایرانی و اروپایی، دست به آفرینش آثاری بدیع زد. (پاکباز، ۱۳۸۵: ص ۵۲۴)

^۲ رجوع کنید به: کریم زاده تبریزی، محمد علی، (۱۳۷۶)، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر هند و عثمانی، مستوفی، تهران.

محمودخان ملک الشعرا هنرمندی خود آموخته بود. در او روحیه دانشمندی و شاعری با علاقه به نوآوری آمیخته شده بود. محمودخان عمدتاً به موضع نگاری و نقاشی از چشم اندازهای شهری می پرداخت. اوج خلاقیت و نوآوری او را در یک پرده رنگ و روغن با عنوان استنساخ می توان دید، (تصویر ۶) در اینجا شعور هنری محمودخان با ابتکارات و تدابیری چون هندسی کردن و ساده سازی صور طبیعی، اغراق در شکل‌های نور و سایه، تلفیق عناصر دو بعدی و سه بعدی و اجتناب از هر گونه ریزه کاری غیر لازم مجال بروز می یابد، بی شک این نقاشی کاری تازه و یکتا در آن روزگار بود، حتی می توان آن را چون پیش نمونه ای برای نقاشی نوگرای معاصر دانست. (پاکباز، ۱۳۸۷: ۱۶۳)

محمودخان ملک الشعرا بی را از اجداد خود به ارث برد، ولی تذکره نویسان همعصرش استعداد او را در شعر ستوده‌اند. محمودخان ملک الشعرا در اشعار خود انسجام و لطافت الفاظ و روانی سخن و ظرافت معانی را دارد و طراوت خاصی در سخن خود آورده است، اشعار او بیشتر اوقات شعرهای فرخی و منوچهری و عنصری را به خاطر می آورد. (کریم زاده تبریزی، ۱۳۷۶: ۱۱۲۳)

او اشعاری را در وصف طبیعت سروده است که علاوه بر مهارت او در شعر، از علاقه‌ی بی حد او به طبیعت که در نقاشی های او نیز اهمیت بسزایی دارد، سخن می گوید:

پر ز گل و سنبل است یکسره گلزارها	از بر البرز کوه ساخته پیکارها	در گلوی مرغکان تعبیه مزارها
بیا به باغ ای صنم، بهل همه کارها قافله روم و چین بر در شهر آمدند	بر سر هر تل فکند باد صبا چادری زبرجدین پودهاش، زمردین تارها	فاخته از اوستاد قافیه گیرد به یاد که می کند با مداد به درس تکرارها
فکنده بر کوه و دشت ز هر طرف بارها	لختی از باغ زرد زخیری و شنبلید لخت دگر سرخ فام ز روی گلنارها	ز روی سوری به باغ هر جا فر خارهاست
باد ز شهر تترار رسید و بگشود بار به بارهاش اندرون ز مشک خراوارها	هیچ بهاری نبود چنین نو آیین، که من	ز بوی سنبل به راغ هر سو تا تارها ابر به گلزارها فرش ستبرق فکند
از حد چین تا به روم یکی کمان شد پدید	بهار را دیده ام به عمر خود بارها برقد گلبن بدید باد صبا اطلسی که نیست زو یک بدست در همه بازارها	بو که شهنشه نهد روی به گلزارها (آرین پور، ۱۳۷۱: ۱۲۹)
کیود و سرخ و بنفش از بر کهسارها ابر برآورده تیغ، باد شده حمله ور	باد خوش فرودین کرده به وقت سحر	

محمودخان در بیشتر هنرهای زمان خود از مجسمه سازی و صنایع دستی گرفته تا قلمدان سازی و خوشنویسی استاد بود. مرحوم هدایت اله لسان الملک در تذکره خوشنویسان خود، از محمودخان چنین یاد کرده است: محمودخان ملک الشعرا السلطان السلاطین اعلیحضرت ناصرالدین شاه قاجار است. ابن محمد حسین خان ملک الشعرا ابن فتحعلی خان ملک الشعرا است، نستعلیق را کمتر از اساتید سلف ننوشته و شکسته را نیز استادی ماهر گشت و شعر چون متقدمین گفت و در علوم

ادبیه و عربیه کفو و نظیری نداشت و در صنعت نقاشی و دور نماسازی چون وی دیده نشده و در قوهی حافظه ضرب المثل شد. (لسان الملک، ۱۳۶۰: ۸۵)

محمودخان در سال ۱۳۱۱ ه.ق در تهران درگذشت، او را در شهر ری در آرامگاه ((جیران)) محبوبه ناصرالدین شاه، که پس از دو سال مدفن خود شاه شد، بخاک سپردند و گویی این بیت را درباره مرگ خود سروده است:

دریغ و درد که در خاک شد نهان گنجی که بود گوهر او همچو نام او محمود (همان، ۱۳۳۰)

۴- شیوه نقاشی محمود خان صبا ((ملک الشعرا))

شیوه نقاشی محمودخان را گاه با نقاشان اروپایی بعد از او مقایسه کرده‌اند. طرز پرداز زنی با نقطه‌ی ریز در یکی از تابلوهای آبرنگ محمود خان تحول پیدا می‌کند و نقطه‌ها بزرگتر شده تبدیل به سطوح کوچک رنگی به شیوه ((سورا و سینیاک)) می‌شود و گاهی پرده‌های او از نظر آزادی در رنگ گذاری یا استفاده از قلم مو، به وان گوگ نزدیک می‌شود. در حالی که در آن زمان هنوز کارهای وان گوگ شهرت لازم را به دست نیاورده بود و محمودخان مطلقاً از شیوه کار وی خبر نداشت. (کریم زاده تبریزی، ۱۳۷۶: ۱۱۳۱)

از دلایل علاقه او به نقاشی ابنیه و آثار قدیمی چنین آورده شده است: او به هنر مورد علاقه‌اش عشق می‌ورزید و به فنای زودرس طبیعت ایمان داشت و آرزو می‌نمود تا موقعیکه سیل بنیان کن روزگار تیشه بر بنیاد قصور قدیمی نزده، بازسازی نموده و نقش آنان را چنانچه بوده، صحیح و سالم به دست آیندگان سپارد، مثلاً در آبرنگ شمس العماره، قصر چنان پر عظمتی را طوری با حلاوت و تیز نگاری ترسیم نموده که کوچکترین نکته ای را از نظر دور نداشته و صحیح و چشم آذین ترسیم کرده است، (تصویر ۷) و یا در مناظر دیگر، رنگها را طوری متناجس و هم اخت گرفته، که گویی با رنگها بازی کرده و آنچه را که در اصل بوده، بهمان ترتیب و دقت مخصوص، در جای خود خوش نشانده است. (کریم زاده تبریزی، ۱۳۷۶: ۱۱۲۸)

در بین آثار محمودخان صبا مناظر وی از پرسپکتیو دقیق تری نسبت به هنرمندان هم عصرش برخوردار است که این امر، توجه ما را به استفاده احتمالی وی از دوربین عکاسی جلب می‌کند. "الگ گرابار" در مقاله ای با نام "تأملی در هنر قاجار و اهمیت آن" به نقل از مقاله "یحیی ذکاء" درباره زندگی و آثار محمودخان، بیان می‌کند که وی علی رغم دست داشتن در هنر عکاسی در نقاشی‌های خود از عکس بهره نگرفته است؛ که البته محقق با مراجعه به متن کامل مقاله یحیی ذکاء مطلبی در این مورد نیافت. با این حال هر چند که در سندی آورده نشده است که او از عکس استفاده کرده باشد، ولی با توجه به زوایای صحیحی که در مناظر او بکار رفته‌اند و عدم پیش زمینه‌ای برای آن در نقاشی ایران، استفاده وی از عکس برای طرح‌های اولیه اثر محتمل به نظر می‌رسد.

۵- آثار محمودخان صبا ((ملک الشعرا))

آثار رقم دار این هنرمند که شناخته شده‌اند و عمدتاً در کاخ گلستان نگهداری می‌شوند، عبارتند از:

۱- آبرنگ استادانه قصر شمس العماره که باهنرمندی تمام تصویر شده رقم دارد:

((بنده درگاه محمود سنه ۱۲۸۵)) عکس رنگی این اثر زیبا، بر روی جلد مجله هنر و مردم شماره ۵۶ چاپ شده است.

۲- آبرنگ گوشه ای از عمارت گلستان که به عمارت بادگیر موسوم است، در این اثر با حلاوت، انعکاس ساختمان بر روی حوض بزرگ آب افتاده و مناره ها و نقوش دیگر آن، به زبر دستی ترسیم یافته است. رقم دارد (بنده درگاه محمود سنه ۱۲۷۸) تصویر شماره (A ۳۶) در صفحه (۱۵۲۲)

عکس رنگی این آبرنگ، در روی جلد مجله هنر و مردم شماره ۶۷ دیده می شود.

۳- تصویر این ساختمان، که از بالای شمس العماره و دید دیگری ترسیم شده و با همان استادی و لطافت نقش بسته و رقم دارد: (بنده درگاه محمود سنه ۱۲۸۵)

عکس در مجله هنر و مردم شماره ۵

۴- تصویر چشم آذین کاخ گلستان در آبرنگ است، که معجزهای چوبی آن، باستادی نقش بسته و باغبان فرنگی را در حین انجام کار نشان می دهد.

زیبایی و طراوت درختان، دلکش و دوست داشتنی است و دربان مخصوص کاخ، با چوب عصا جلب نظر می کند. رقم دارد: (بنده درگاه محمود سنه ۱۲۷۸) عکس رنگی روی جلد هنر و مردم شماره ۷۱

۵- آبرنگ ارک دولتی از پشت بام است که نگیهان سرخپوش اسلحه را زمین گذاشته و به دود کردن چپق مشغول است، کارگر جوانی که کوزه آب بدست دارد، در حین بالا آمدن از پله ها دیده می شود. منظره کوه پر برف و درختان سر سبز و فرم انتخاب موضوع که با دید انحصاری و ابتکاری مقرون بوده، شایسته تحسین است و رقم دارد:

(بنده درگاه محمود سنه ۱۲۸۱) عکس رنگی در روی جلد مجله هنر و مردم شماره ۸۱

۶- آبرنگ تالار خروجی که در کمال چابک قلمی و تردستی نقش پذیرفته و قوانین پرسپکتیو به نیکوترین وجهی اجرا شده، یکی دیگر از آثار گراندقدر این استاد بشمار می آید.

در این تصویر، چهل چراغهای تالار و فرش بزرگ کف آن و نقوش ترسیمی زیبایی که بر روی دیوارها ترسیم یافته، جالب و دلپذیر است و رقم دارد: (بنده درگاه محمود سنه ۱۲۸۰) عکس در هنر و مردم شماره ۵

۷- منظره آبرنگی تالار عاج که در مقابل آن، حوض بزرگ و پر آبی دیده می شود.

در این آبرنگ، درختان سرسبز باغ و سروهای بلند قامت و چراغهای روشن و بلند که از دور دیده می شوند، زیبایی را مضاعف ساخته و هنر نقاش را با نیکوترین وجهی عرضه کرده است.

رقم دارد: (بنده درگاه محمود سنه ۱۲۸۶) عکس در مجله هنر و مردم شماره ۵

۸- مجلس بزمی و سرور سلسله قاجاریه، که رجال و اعیان و خوانین محترم در حواشی تالار و در سر سفره، نشسته و خدمتکاران مخصوص سرپا ایستاده و آماده پذیرایی هستند.

نوازندگان و کارگر طرب، در انتهای تالار به ترنم مشغولند و زنان زیبای رقص در وسط مجلس، پایکوبی می نمایند.

حالات و قیافه نفرات و البسه مخصوص آنان و شیوه قرار گرفتن و نشستن مهمانها در سر سفره و تزیین و آرایش دیوارها و ترسیم استادانه چهل چراغها و آذین و تزئینات داخلی قصر، از هر نظر پسندیده بوده و یکی از کارهای با ارزش نقاش بشمار می آید.

۹- تصویر آبرنگی منظره خیابان الماسیه است که جماعات مختلف در ایاب و ذهاب بوده و هر یک بنا به تقاضای حرفه ی خود، به دادو ستد مشغولند، منظره درختان و سر در مزین الماسیه، که در انتهای خیابان دیده می شوند به قوی دستی نقاشی شده و رقم دارد:

((بنده درگاه محمود ۱۲۸۸))

۱۰- آبرنگ عمارات گلستان است که از روبرو نقاشی شده و چهل چراغ بزرگ آن جلب نظر می نماید.

منظره عمومی و حیاط قصر، از طرفین دیده می شود. پرده نیمه بر افراشته و قالی پر نقش و نگار تالار و تزئینات انتهایی قصر، دل پسند بوده و یکی از بهترین آبرنگهای استاد به شمار می آید.

۱۱- تابلوی رنگ و روغنی صحن مطهر حضرت رضا علیه السلام که به زیبایی عمل آمده و صحن حیاط و سردرهای مساجد اطراف و گنبد طلایی بارگاه آن دیده می شود که بسی روح افزا است رقم دارد:

((بنده درگاه محمود سنه ۱۳۰۳))

۱۲- آبرنگ دیگر هنرمند در این موزه ، تصویر دیگری از کاخ گلستان است که محل حالیه کتابخانه سلطنتی بوده و از دید دیگر طراحی شده به همان عیار، خوش نقش و ارزنده است. رقم دارد:

((بنده درگاه محمود شعبان العظم ۱۲۹۷))

۱۳- اما مهمترین و ممتاز ترین اثر محمود خان که تا حدی شهرت بین المللی دارد تابلوی استنساخ وی در موزه مذکور است که معرف ابتکار و حس نوجوئی نقاش به شمار آمده و مایه تحسین بینندگان قرار گرفته است.

در این تابلوی ماهرانه که می شود گفت، یکی از نمونه های اولیه نقاشی مدرن ایرانی است، پرداخت نور و شیوه سایه ها و قیافه و حرکات محمد حسین و محمد قاسمخان که به شیوه نوگرایانه ای شبیه سازی شده گشته و قوه ابتکار نقاش را هویدا ساخته است.

طرح اولیه این اثر قابل توصیف، به آبرنگ بوده و رقم نقاش که به خط شکسته مخصوص وی درج شده چنین است:

((شبیه محمد قاسمخان در حالتی که پیش چراغ تصحیح کتاب می کند و شبیه محمد حسین خان در حالتی که چپق می کشد العبد محمود الشریف ۱۲۷۵)) تصویر شماره (۳۷) در صفحه (۱۵۲۳)

۱۴- اثر رنگ و روغن این آبرنگ، در معیار بهتر و با حلاوت تری به توسط خود نقاش ترسیم شده که عین نقش اولیه آبرنگی است و مختصر اخلاقی که با آبرنگ مذکور دارد، بلندی قلمدان ها و اندازه و قواره کتابهای روی زمین و سایر تفاوت های غیر محسوس دیگر است که قابل بحث نمی باشند.

رقم تابلوی رنگ و روغنی ، بخط نستعلیق زیبا بوده و اولین رقم وی در نقاشی است که خود را محمود خان ملک الشعرا نامیده است. عکس در مجله هنر و مردم شماره ۵

۱۵- از قلمدان های براننده این هنرمند یک قلمدان شیوائی در مجموعه دکتر خلیلی است که در رویه آن، پل بزرگی که به ساختمانی منتهی می شد تصور گشته و در روی پل ، دو اسب سوار و یک پیاده در حرکت بودند، در کنار انتهای پل و در طرف بالائی آن، قصر بزرگی دیده می شد که ستون های بلندی داشت و بسان قصور قدیم یونانی بود.

در روبرو، دو درخت بلند جلب نظر می کرد و در انتهای منظره ، پل کوتاه دیگری بود که در انتهای آن، تصویر یک مسجد و یا قلعه قدیمی رویت می گردید که در کنار آن خانه های دهقانی قرار گرفته بودند.

کناره قلمدان مناظر مشجر و پر درخت بود و یک مسجد گنبد دار در بین آن مناظر دیده می شد.

در کنار دست چپی نیز بسان همین منظره و قلعه قدیمی بود و در روی قلمدان بخط طغرایی رقم داشت:

((بنده درگاه محمود ۱۳۰۰))

۱۶- قلمدان استادانه ای بود که کناره ها مناظر مختلف داشت و در رویه آن جمعی زیبا رویان را به اشکال و تنوع گوناگون ترسیم نموده و رقم نهاده بود:((العبد محمود شریف))

به سیاق این قلمدان ها و در شیوه انحصاری ملک الشعرا دو قلمدان دیگری نیز وجود دارد که رویه ها و کناره های آنها منظره سازی و چهره پردازی بود و نقوش گوناگونی از ساخت ها و قصور و ابنیه قدیمی، در کنار ها نقش بسته بود، هر دوی این قلمدان ها، رقم نداشت و بدین دلیل از بحث بیشتر و ارائه مشخصات دیگر، خودداری گردید.

۱۷- از آثار روغنی این هنرمند در مجموعه نگارنده، بر چسب دان ظریف و کوچکی است که گویا جهت هدیه ای برای دوستان تهیه نموده و در نوع خود بسیار شیوا است.

در رویه این برچسب دان، منظره دریا و ساختمان گوناگون ساحل و اجرای صحیح قوانین مناظر و مرايا بعمل آمده و درختان سرسبز و بلند و کوتاهی نیز در جای خود نقش بسته است.

در روی دریا، چند قایق و قایقران تصویر شده و یک نفر عصا بدست، به منظره مقابل نگاه می کند. در کنار رویه و در دو دماغه طرفین، به همین ترتیب منظره دریا و ساختمان های زیبا و درختان پر برگ دیده می شوند و در کتیبه وسطی رقم دارد.(محمود) ۱۲۸۷

۱۸- از دیگر آثار متنوع هنرمند در مجموعه نگارنده، آبرنگ تیره و سیاه قلمی امامزاده ای در بالای کوه است که در دامنه آن، منظره شهری نیز دیده می شود.

گنبد و مناره های تنها مسجد شهر، در وسط آن جلب نظر می نماید و در کنار انتهایی شهر، انبوه درختان و مسیر رودخانه و گیاه های خود رو به طرز استادانه ای نقش بسته است.

این اثر نیز ، به شیوه خاص استاد، سیاه قلمی شده و سایه های تکه ای دارد و رقمش چنین است((خانزاد محمود شریف))

از آثار هنری دیگر این هنرمند، دو قطعه منبت کاری در روی چوب است که در موزه کاخ گلستان موجود می باشند.

۱۹- در یکی از آنها ، تصویر قلعه بندری را نشان داده که در کنار دریا احداث شده و در نهایت هنرمندی است.

دیگری که گویا از همان منظره است، ساختمان دیده بانی کشتی ها است که در سه طبقه نقش پذیرفته و در حوالی آن، انبوه درختان و ساختمان هایی در انتها دیده می شود، کناره ها نیز، سطح گسترده آب دریا است که به سان تابلوی زیبایی جلب نظر می نماید.

۲۰- تصویر اهرام جیزه، بر روی بشقابی است که از خورده تمبر های باطله، بر روی هم چیده شده و منظره بدیعی را تشکیل داده است.

۲۱- از تصاویر هندسی و طراحی های ساختمانی وی، در موزه کاخ گلستان، دو ماکت دقیق و ترسیم هندسی دوتا از ساختمان های سلطنتی است که در کمال دقت ترسیم شده و قوانین مناظر و مرایا، به نیکوترین وجهی اجرا شده و از بهترین آثار نقاش به شمار می آیند.

۲۲- تصویری در داخل یک بطری است که در کمال دقت و هنرمندی از دهانه تنگ آن، در یکی از طرفین داخل شیشه، منظره و دختر چوپانی را نقاشی نموده و در سوی دیگر، ابیاتی به خط نستعلیق زیبا درج کرده و دقت و نازک قلمی خود را در ترسیم این نقش بسیار دشوار ارائه داده است. (کریم زاده تبریزی، ۱۳۷۶، ۱۱۳۱ تا ۱۱۳۴)

۶- تحلیل برخی از آثار محمود خان صبا ((ملک الشعرا))

۶-۱. تابلوی آبرنگ، باغچه کاخ گلستان و باغبان فرنگی. (تصویر ۹)

ترکیب بندی این اثر به صورت متقارن است. قرینه سازی از قدیم در هنرهایی چون نقاشی، معماری و فرش، مورد توجه ایرانیان بوده و از آن به عنوان نوعی ترکیب بندی استفاده کرده اند. در این اثر زاویه دید نقاش از روبروست. در تصویری که از محل نقاشی در زمان حال گرفته شده است (تصویر ۱۰)، مکان قرار گرفتن نقاش با علامت * مشخص شده است که نشان از توانایی بالای وی در تشخیص پرسپکتیو صحیح دارد.

در آثار محمودخان برای اولین بار نقاش تمامی عناصر را از یک زاویه دید واحد ترسیم کرده است. نوری که در اثر وجود دارد نور روز است و با توجه به سایه ها می توان زمان احتمالی نقاشی را اواسط روز دانست. نقاش در ترسیم نور و سایه دقت زیادی کرده و سعی نموده، آنچه را در واقعیت می بیند، ترسیم کند که با وجود اشتباهات کوچک تقریباً موفق بوده است.

۶-۲. تابلو آبرنگ، عمارت شمس العماره. (تصویر ۷)

ترکیب بندی این اثر متأثر از ترکیب بندی متقارن در معماری بنا است. نقاش از زاویه دید واحدی اثر را ترسیم کرده است. با مقایسه این اثر با عکسی که در زمان قاجار از شمس العماره گرفته شده است. (تصویر ۸) می توان به مهارت نقاش در پرداخت جزئیات و همینطور استفاده صحیح او از پرسپکتیو و بعد نمایی پی برد. شیوهی پردازش، مانند سایر آثار محمودخان به صورت نقطه ای است، استفاده از رنگ های کاملاً درخشان نشانی از پابندی به اصول نقاشی ایرانی دارد و تلفیق آن ها با شیوه های نقاشی غربی که در زاویه دید واحد، عینی بودن موضوع نقاشی، رعایت بعد نمایی و پلان بندی دیده می شوند، شیوه ای منحصر به فرد به وجود آورده که تنها در آثار محمودخان صبا ((ملک الشعرا)) قابل دیدن است.

۶-۳. تابلو آبرنگ، خیابان و سردر الماسیه. (تصویر ۱۱)

اثر فوق نمونه بارزی از تلفیق نقاشی ایرانی و فرنگی در آثار محمودخان است و شباهت زیادی به آثار نقاشان امپرسیونیست دارد. برخی از عناصر تصویر، کاملاً نشان دهنده سنت های نقاشی ایران هستند، برای مثال نحوه جای گیری ابرها در آسمان، هر

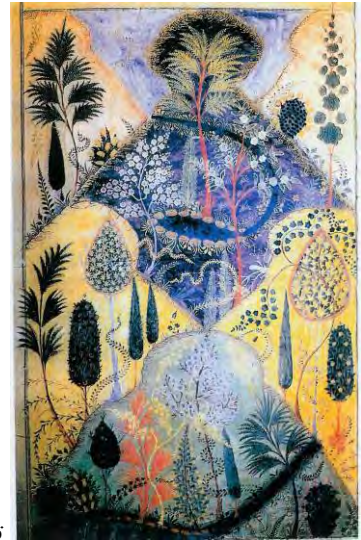
چند که پرداخت ابرها شبیه نقاشی‌های غربی است ولی نحوه قرارگیری آن‌ها بر روی آسمان کاملاً ایرانی است. ابرها با خطوطی مشخص از سطح آسمان جدا شده‌اند، گویی بر روی صفحه آبی کلاژ شده‌اند. از دیگر نشانه‌های سنت نگارگری در اثر، شیوه برخورد نقاش با ترسیم درختان است. هرچند که درختانی که در پلان‌های عقبی واقع شده‌اند، کوچک‌ترند ولی تا آخرین درخت دارای شاخ و برگ قابل رویت هستند و به صورت ردیفی از درختان آورده نشده‌اند، تا جایی که می‌توان آنها را شمرد. البته این ویژگی‌ها نه تنها لطمه‌ای به آثار وی نمی‌زنند، بلکه تفاوتی در آنها ایجاد می‌کنند که خود از دلایل جذابیت آثار محمودخان ملک الشعرا به شمار می‌روند.

۴-۶. تابلو آبرنگ، عمارت بادگیر. (تصویر ۱۲)

در این اثر مانند عمارت شمس‌العماره، ترکیب بندی تحت تأثیر موضوعی است که نقاش انتخاب کرده است و تقارن بنا ترکیب متقارن را به اثر تحمیل می‌کند، هر چند که خطوط اریب فراوانی که در اثر وجود دارند نیز بی تأثیر نیستند. با توجه به گوشه‌ای از بام که در سمت چپ تصویر قرار گرفته است، می‌توان پی به این مطلب برد که زاویه دید نقاش از بالای بام است و همه چیز را از بالا می‌بیند. رنگ‌های بکار رفته در اثر در مقایسه با دیگر آثار محمود خان، از پختگی بیشتری برخوردارند. با مقایسه این نقاشی، با تصویری که از عمارت بادگیر در زمان قاجار گرفته شده است (تصویر ۱۳) متوجه دقت نقاش به تزئینات بنا می‌شویم که از ویژگی‌های نقاشی محمود خان صبا است.

۷- نتیجه گیری

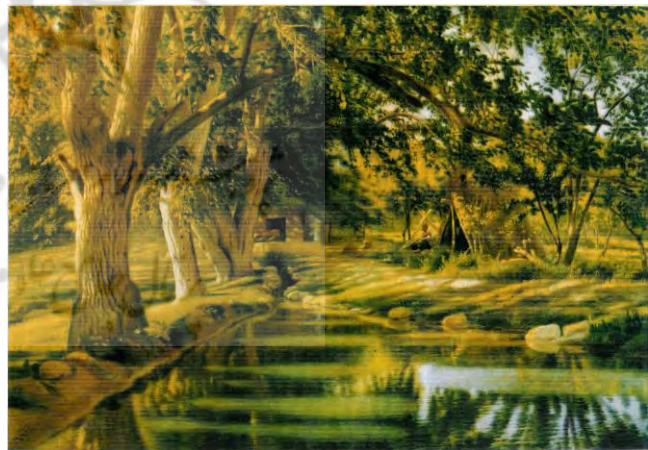
آغاز منظره نگاری به صورت مستقل در نقاشی ایران را می‌توان اواخر قرن ۱۲ ه.ق دانست. هرچند که به لحاظ تاریخی، هنرمندانی پیش از محمود خان ملک الشعرا هم مناظری ترسیم کرده‌اند، اما به دلیل کثرت مناظری که او نقاشی کرده است و نوع برخورد او با منظره نگاری به حق می‌باید محمود خان را مهمترین آغازگر این بخش از نقاشی ایران نامید. شیوه نقاشی محمودخان ادامه سنت‌های قبل در نقاشی ایران و تلفیق منظره نگاری اروپاست که در آثار وی به انسجام خوبی رسیده است. در آخر این که علی‌رغم در دسترس بودن آثار این نقاش نوآور برای بسیاری از اهالی هنر، مجموعه‌ای که بتوان آثار او را در کنار هم دید وجود ندارد و تا به حال جایگاهی که باید را نیافته است. به طور کلی شیوه نقاشی محمود خان را می‌توان ادامه تلفیق‌هایی که در نقاشی‌های مهرعلی (نیمه نخست سده سیزدهم ه.ق) وجود داشت، دانست با این تفاوت که سردرگمی‌ای که در نقاشی‌های هرچند شیرین مهرعلی^۳ و هم عصرانش وجود داشت، در نقاشی‌های او دیگر دیده نمی‌شود و به انسجام خوب و کاملی رسیده است. در آثار او از لحاظ فنی قواعد پرسپکتیو تقریباً حفظ شده‌اند. طرز بازنمایی نور در آثار او کاملاً بی‌سابقه است. مناظری که از این نقاش باقی مانده‌اند، بسیار ایرانی هستند. ولی از آنجایی که اولین نقاش مطرح پس از وی، مطرح‌ترین نقاش تاریخ نقاشی معاصر ایران یعنی کمال‌الملک می‌باشد، به دلیل نفوذ بسیار او و شیوه کاملاً جدیدی که وارد نقاشی ایران کرد، حضور محمود خان تحت الشعاع وی قرار گرفت. به عبارت دیگر می‌توان این طور برداشت کرد که اگر او درمقطع دیگری از زمان زیسته بود و شیوه نقاشی‌اش با روش‌های جدیدالورود قطع نمی‌گردید، امروزه می‌توانستیم با سبکی از نقاشی روبرو باشیم که بر خلاف نقاشی معاصر ما هویتی کاملاً ایرانی داشته باشد.



تصویر ۱- گلچین اسکندر سلطان، بهبهان ۸۰۱ ه.ق، موزه هنر های ترکی و اسلامی، استانبول



تصویر ۲- دوران محمد شاه قاجار، نقاش ناشناس، کاخ گلستان



تصویر ۳- دهکده مغانک، کمال الملک، کاخ گلستان



تصویر ۴- میدان ارک ۱۳۰۳ ه. ق، یحیی خان ((پسر صنیع الملک))، موزه هنرهای معاصر تهران



تصویر ۵- دورنمای شهرستانک، کمال الملک، موزه هنرهای معاصر تهران



تصویر ۶- استنساخ، محمود خان صبا، موزه کاخ گلستان، تصویر برگرفته از آرشیو کاخ گلستان



تصویر ۷- شمس العماره، محمود خان صبا، موزه کاخ گلستان، تصویر برگرفته از آرشیو کاخ گلستان



تصویر ۸- شمس العماره، قاجاریه، تصویر برگرفته از آرشیو کاخ گلستان

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 علوم انسانی



تصویر ۹- باغچه کاخ گلستان و باغبان فرنگی، محمود خان صبا، موزه کاخ گلستان، تصویر برگرفته از آرشیو کاخ گلستان



تصویر ۱۰- باغچه کاخ گلستان



تصویر ۱۱- خیابان و سردر الماسیه، محمود خان صبا، موزه کاخ گلستان، تصویر

برگرفته از آرشیو کاخ گلستان



تصویر ۱۲- عمارت بادگیر، محمود خان صبا، موزه کاخ گلستان، تصویر برگرفته از آرشیو کاخ گلستان



تصویر ۱۳- عمارت بادگیر، قاجاریه، تصویر برگرفته از آرشیو کاخ گلستان



منابع

- آرین پور، یحیی، (۱۳۷۱)، تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی از صبا تا نیما، زوار، تهران.
- پاکباز، رویین، (۱۳۸۵)، دایره المعارف هنر، فرهنگ معاصر، تهران.
- پاکباز، رویین، (۱۳۸۷)، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، زرین و سیمین، تهران.
- کریم زاده تبریزی، محمد علی، (۱۳۷۶)، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی، مستوفی، تهران.

- گزیده ای از نوشته ها، (۱۳۵۴)، نگاهی به نگارگری ایران در سده های ۱۲ و ۱۳، دفتر مخصوص فرح پهلوی، تهران.
- ذکاء، یحیی، (۱۳۴۱)، "محمودخان ملک الشعراء، شاعری ماهر، نقاشی چیره دست، دانشمندی خوشنویس و انسانی کامل"، مجله هنر و مردم، دوره ۱، ش ۵ و ۶، تهران.

- گرابار، الک، (۱۳۸۴)، تأملی در هنر قاجار و اهمیت آن، فصلنامه حرفه : هنرمند، ش ۱۳، تهران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

The Origins of Landscape Painting in Iranian Contemporary Art with Mahmoud Khan-e Saba “Malek o-Sho’ara”

Narges Zekrali

Abstract:

Landscape painting is considered one of the most common types of painting in the world history of art. Various natural sceneries and beautiful landscapes have always been a popular subject matter among painters and of course their audience. During the history of painting many painters have focused on landscapes and landscape painting as their main subject matter. Although landscape painting, in the sense that the term is used today, originated in the 17th century and it is relatively not that old, landscape painting as an independent subject matter in Iranian art is much more recent. This paper presents a historical and descriptive study on the era of the emergence of landscape painting in Iranian contemporary art. It also introduces some of the pioneers of this style, especially “Mahmoud Khan-e Saba (Malek o-Sho’ara)” through library research and field work. The result of this study can be explained as follows: the origin of landscape painting in Iran dates back to late Qajar period, “Mahmoud Khan-e Saba” is considered as one of the most important pioneers of this style of painting in Iran and a significant number of his remaining works are landscape paintings.

Key words: Landscape- Landscape Painting- Mahmoud Khan-e Saba- Kamalolmolk.

